**( 218 )**

**طهران - حضرت علی قبل أکبر علیه بهاء الله**

**هو الله**

ای منادی پیمان ایامی میگذرد که در مخابره و مکاتبه فتور حاصل سبب اینست که آتش فساد چنان شعله‌ئی زده که جمیع امور مختل گشته حتی ارسال رسائل متعسر گردیده و بسیار از مکاتیب در دست عوانان افتاده هیئت تفتیش حاضر شده جمیع قلوب را بتشویش انداخته و این فحص و تحقیق را بنیاد بر بیداد است یعنی جناب اخوی و عوانان سری و جهاری او در أشد فساد دیگر ملاحظه نما حال مظلومی را که در دست دشمنان خارج و داخل محکوم و مبتلا باری باختصار کوشیم هر چند امتحان شدید است ولی ظلم ستمکار را در قلوب ابرار تأثیری نه و اذیت و اهانت بیگانگانرا حکمی نه بلکه قلوب را در چنین موارد حالت خوشی دست دهد و لطافت و رقت بیفزاید و بمناجات پردازد لهذا عبدالبهاء آغاز تضرع و ابتهال کند و عجز و نیاز آرد و زبان بمناجات گشاید

الهی الهی قد صوبت السهام و أشرعت الاسنة الحداد و لمعت السیوف فی هذا الظلام فاقبلت الیهما فی سبیلک کظمآن متعطش الی کوثر عذب فرات و أشکرک علی هذا البلاء و عظیم البلوی و شدید الرزایا و عظیم المنایا کل رأس یا الهی لا یلیق أن یتهادی علی القناة فی سبیلک الا الرأس الذی ظللت علیه سحاب رحمتک الکبری و کل صدر لا یستحق أن یستهدف فی محبتک سهام الجفاء الا الصدر الذی انشرح بمعرفتک بین الوری و کل دم غیر حری أن یسفح فی مشهد الفداء و یحمر من سفکها وجه الغبراء الا دم مطهر یسری فیه حبک سریان الروح فی الاجسام ان لم تکن لی یا الهی موهبة الرزایا حبا بجمالک فما سلوة قلبی فی دار الذلة و الهوان و ان لم أذق بفضلک مرارة کأس العقاب بما آمنت بک و بآیاتک فمن أی قدح اتجرع صهباء السرور بکل روح و ریحان تنقضی یا الهی هذه الایام و بفضلک ینکشف الظلام و یتنفس صبح البشری من ملکوت الجمال و تسمع الآذان "یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک" مقدسة عن أردان الاکوان عند ذلک تبیض الوجوه و تلوح بأنوار اللقاء رب رب اجعل النفوس مشغوفة بحبک و منجذبة بذکرک و منتعشة بروحک و مطیبة بفضلک انک انت الکریم و انک أنت المعین و انک أنت المعطی العزیز الوهاب

ای منادی پیمان جمال مبارک یارانرا بجهت چنین ایامی تربیت فرمود تا حفظ امر الله نمایند و کلمة الله انتشار دهند و رایت هدی برافرازند و آیت تقی ترتیل کنند گلشن حقیقت را شبنم عنایت گردند و گلبن معرفت را سحاب موهبت شوند متحد و متفق گردند از یک چشمه بنوشند و در یک هوا پرواز کنند از یک نسیم باهتزاز آیند و از یک نفحه مشام معطر نمایند مانند طیور قدس در یک حدیقه پرواز کنند و بیک لسان بیان راز فرمایند این مسئله بسیار مهم است البته در فکر آن باشید زیرا عبدالبهاء در طوفان خطر است و از خوف اختلاف آراء در نهایت حذر اگر معاذ الله اختلاف جزئی حاصل گردد جمیع نفوس ذلیل و هالک و امر الله بنهایت ذلت در جمیع ممالک گرفتار شود دیگر معلومست که چه قدر از این فکر در اضطرابم الحمد لله اسباب اختلافی نه

حضرت اعلی صبح حقیقت روشن و تابنده بر جمیع ارجاء و مبشر نیر اعظم ابهی و جمال مبارک موعود جمیع کتب و صحف و زبر و الواح و ظهور مجلی طور در سدره سینا و ماعدا کل بندۀ آن آستانیم و احقر پاسبان ظهور منتهی بمکلم طور شد و تا هزار سال بل صد هزار سال این کور امتداد خواهد یافت مقصود اینست که قبل از الف کسی سزاوار تکلم بحرفی نیست ولو مقام ولایت باشد کتاب اقدس مرجع جمیع امم و احکام الهی در آن مصرح احکام غیر مذکوره راجع بقرار بیت العدل دیگر اسباب اختلافی نه و من یتعد بعد ذلک فأولئک هم الناعقون و أولئک هم الظالمون و أولئک هم الاعداء المبغضون زنهار زنهار مگذارید نفسی رخنه کند و القاء فتنه نماید اگر اختلاف آرائی حاصل گردد بیت عدل اعظم فورا حل مشکلات فرماید و اکثریت آراء آنچه بیان کند صرف حقیقت است زیرا بیت عدل اعظم در تحت حمایت و عصمت و عفت سلطان احدیتست و او را صیانت از خطا فرماید و در ظل جناح عفت و عصمت خویش محافظه نماید هر کس مخالفت کند مردود گردد و عاقبت مقهور شود و بیت عدل اعظم بترتیب و نظامی که در انتخاب مجالس ملت در اورپا انتخاب میشود انتخاب گردد و چون ممالک مهتدی شود بیوت عدل ممالک بیت عدل اعظم را انتخاب نماید و در هر زمان که جمیع احبا در هر دیار وکلائی تعیین نمایند و آنان نفوسی را انتخاب کنند و آن نفوس هیئتی را انتخاب نمایند آن بیت العدل اعظم است و الا تأسیسش مشروط بایمان جمیع ممالک عالم نه مثلا اگر وقت مقتضی بود و فساد نداشت احبای ایران وکلائی انتخاب مینمودند و احبای امریک و هند و سائر جهات نیز وکلائی انتخاب مینمودند و آنان بیت العدلی انتخاب مینمودند آن بیت العدل اعظم بود و السلام (ع ع)